

جلوه‌های حقوق بشر در آثار جامی

سمیه عباسی نسب^۱

مریم جعفری^۲

عنایت ا... شریف پور^۳

چکیده

حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی و فطری، به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود و این حق را خالق انسان در آغاز تولد، برای او قرار داده است. موضوع حقوق بشر، انسان است و در جهان‌بینی اسلامی نیز انسان به عنوان خلیفه خدا، در سایه عقل و اراده و مسئولیت بر سایر مخلوقات برتری دارد. عبدالرحمان بن احمد جامی، شاعر و ادیب قرن نهم هجری، به موضوع حقوق بشر توجه خاص داشته و در آثار نظم و نثر خود همگان را به رعایت حقوق بشر فرا می‌خواند. در این مقاله با مطالعه آثار معروف جامی؛ یعنی بهارستان، نفحات الانس، هفت اورنگ، سلامان و ابسال، لویح و... دیدگاه و نظریات وی در ارتباط با حقوق و روابط انسان‌ها استخراج، بررسی و نقد و تحلیل شده است. از جمله مهم‌ترین حقوقی که جامی مخاطبان خود را به رعایت آن‌ها سفارش کرده است، مواردی از قبیل: حقوق والدین، حقوق مهمان، حقوق مردم بر حاکم، حق کرامت و شخصیت انسانی، حقوق نیازمندان، حقوق دوست و معاشر، حقوق مسلمانان نسبت به یکدیگر است.

کلید واژه‌ها: حقوق بشر، عبدالرحمان جامی، بهارستان، نفحات الانس، هفت اورنگ.

^۱ - دانشجوی دکترای گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان - ایران. (برگرفته از رساله دکتری)

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان - ایران. (نویسنده مسؤول)

M.jafari7800@yahoo.com

^۳ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه باهنر، کرمان - ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۳۰

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱

۱- مقدمه

حقوق بشر، مجموعه حقوق تعیین شده‌ای است که آغاز آن را نمی‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر یا انقلاب کبیر فرانسه نسبت داد؛ بلکه باید قدمت آن را به درازای حیات بشری بدانیم. محمد بسته نگار در این مورد می‌گوید: «حقوق بشر گرچه محصول تمدن جدید و مدرنیته است ولی این که بخواهیم آن را در قالب یک تمدن خاص محدود نماییم، صحیح نمی‌باشد؛ زیرا حقوق بشر همزاد با پیدایش انسان بوده و با او به وجود آمده است. با سیر در ادبیات، عرفان، عقاید و مذاهب مختلف می‌بینیم که دعوت به برابری و برادری و نوع دوستی یکی از اصول اولیّه آنها می‌باشد. زیرا مفهوم حقوق بشر کهنسال‌تر از آن است که بتوان آن را به تمدن خاص یا دوره خاصی منتسب کرد. همه مذاهب، همه کتب بزرگ حکمت و ادب از آن دم زده‌اند.» (بسته نگار، ۱۳۸۰: ۱۱)

معانی و مفاهیم حقوق

در لغت‌نامه‌های مختلف تعاریف زیادی برای واژه «حق» به عنوان مفرد واژه «حقوق» آمده است؛ از جمله: «حق» در لغت به معنای «ثابت که انکار آن روا نباشد» و «آنچه ادای آن واجب باشد، حال واقع، حکم مطابق با واقع.» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶: ۸۰۲۸)

نویسندگان علم حقوق با تکیه بر چنین تعاریفی، واژه «حق» را به صورت‌های مختلفی معنا کرده‌اند؛ از جمله قربان‌نیا در کتاب حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه می‌نویسد: «حق عبارت است از سلطه، اختیار، امتیاز و توانایی که در جامعه معینی برای یک انسان در برابر انسان‌های دیگر، یا در برابر اشیاء به رسمیت شناخته می‌شود.» (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۳۳)

اما معنای علمی و تخصصی آن به شرح زیر است:

نویسنده کتاب حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر درباره «حقوق» هم، چنین می‌گوید: «حقوق عبارت از مجموع احکام و قوانین و قواعد کلی است که با توجه به مقتضیات متغیر زمان و مکان، به منظور استقرار امنیت و تثبیت عدالت و بسط تمدن و بهبود روابط جمعی بر زندگی اجتماعی

مردم حکومت می‌کند و اختیار و آزادی آنان را هماهنگ می‌سازد و دولت اجرای آن را تضمین می‌نماید.» (مدرّس، ۱۳۷۵: ۲۹)

«تکلیف» در لغت به معنای «چیزی از کسی درخواستن که در آن رنج باشد.» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴: ۶۰۵۶)

بنا بر دیدگاه اسلامی، حق و تکلیف دو مفهوم متلازم و دو روی یک سکه‌اند. این دیدگاه توسط برخی از حقوقدانان نیز این‌گونه تبیین شده است که: «آدمی هم موضوع حقوق است و هم موضوع تکالیف، حق و تکلیف دو روی یک ورق‌اند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۴۰۳)

اعلامیه جهانی حقوق بشر

حقوق بشر به حقوقی گفته می‌شود که همگان در همه زمان‌ها و مکان‌ها از آن برخوردارند. اعلامیه جهانی حقوق بشر یک پیمان بین‌المللی است که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسیده است. این اعلامیه، نتیجه مستقیم جنگ جهانی دوم بوده و برای اولین بار حقوقی را که تمام انسان‌ها مستحق آن هستند، به صورت جهانی بیان می‌دارد و شامل سی ماده است که به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر می‌پردازد. مفاد این اعلامیه، حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را که تمامی انسان‌ها در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند، مشخص کرده است. لایحه جهانی حقوق بشر از اعلامیه حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دو پروتکل انتخابی آن تشکیل شده است. در سال ۱۹۷۶ هنگامی که لایحه جهانی حقوق بشر توسط تعدادی از ملت‌ها مورد تأیید قرار گرفت، به حقوق بین‌المللی تبدیل شد. (ر.ک: مهرپور، ۱۳۸۳: ۴۷-۳۶)

حقوق بشر از دیدگاه اسلام

نقش مفاهیم دینی به ویژه دین مبین اسلام در تأیید حقوق بشر و تشویق مردم به رعایت عدالت و حقوق هم‌نوعان نقشی منحصر به فرد است. پیام مکتب حیات بخش اسلام از آغاز ظهور و خصوصاً رسالت رسول گرامی اسلام (ص) خطاب به همه انسان‌ها، رعایت حقوق دیگران است. از

این رو می‌توان گفت تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام به همان نخستین سال‌های نزول قرآن بر می‌گردد، که در این صورت قرآن یکی از کهن‌ترین اسناد مدون در حقوق بشر است. پس از آن احادیث و سیره نبوی و ائمه اطهار هستند که ریشه‌های حقوق بشر اسلامی را شکل دادند. اعلامیه حقوق بشر اسلامی، اعلامیه‌ایست که توسط سازمان کنفرانس اسلامی در ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری (۱۵ اوت ۱۹۹۰) در شهر قاهره تصویب شد. این اعلامیه، خلاصه‌ای از نگاه اسلامی به حقوق بشر را فراهم می‌کند و دارای ۲۵ ماده است.

۱ ۴ - بیان مسأله

حقوق بشر، حقوقی از آن همه انسان‌هاست و چون همه انسان‌ها اعضای جامعه بین‌المللی هستند و در انسان بودن مشترک‌اند، حقوق‌شان باید در همه جا یکسان رعایت شود و در بین افراد در برخورداری از آن تفاوتی نباشد. حال با توجه به اجتماعی بودن انسان‌ها، این سؤال مطرح می‌شود که افراد در برابر یکدیگر چه حقوق و تکالیفی دارند؟ و در روابط خود با دیگران چه چیزهایی را باید رعایت کنند؟

بسیاری از ادیبان و متفکران در مطالعات و آثار خود، این موضوع را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند که از بین آن‌ها می‌توان از عبدالرحمان بن احمد جامی نام برد. وی در آثار گرانبها و بی‌نظیر خود به گزاره‌های حقوق بشر اشاره کرده است. در این مقاله با تکیه بر آثار وی، شواهد و مفاهیم حقوقی انسانها استخراج و بررسی شده است.

۱ ۴ - پیشینه تحقیق

حقوق بشر از زمان تشکیل جوامع انسانی مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع با توجه به سرگذشت پیامبران و نوع مبارزه آن‌ها برای احقاق حقوق انسان‌ها و به تعالی رساندن آن‌ها، ما را به این اصل مهم راهنمایی می‌کند که نخستین پیام‌آوران حقوق بشر، پیامبران بوده‌اند. در ادوار بعدی عارفان، فلاسفه، نویسندگان، شاعران و هنرمندان در جهت تحقق این حقوق گام‌هایی برداشته‌اند و در آثار شکوهمند خود، حقوق بشر را به روشنی و زیبایی تمام به تصویر کشیده‌اند. تاکنون چند کار پژوهشی در زمینه حقوق بشر در متون ادب فارسی انجام گرفته است؛ محمدحسن

حجازیان در کتاب «تجلی مفاهیم و نظام حقوقی در شعر فارسی» به موضوع حقوق جزای عمومی، جرایم علیه اشخاص، اموال و امنیت و آسایش عمومی پرداخته و با توجه به موضوع، اشعار پراکنده‌ای از بزرگان ادب فارسی را در خصوص هر مورد ذکر کرده است. مجتبی رؤیتوند در پایان‌نامه «جلوه انسان‌دوستی و حقوق بشر در ادبیات فارسی شاعران مشروطه»، این موضوع را در اشعار پنج تن از شاعران عصر مشروطه مورد بررسی قرار داده است. مهدیه محمودزاده در پایان‌نامه «بررسی و تبیین حقوق انسان در متون ادب فارسی از آغاز تا قرن هشتم هجری»، حقوق انسان را در مهم‌ترین آثار بزرگان فارسی در این دوره‌ها بررسی کرده است. و مقالاتی با عناوین: «حقوق، حق و اقسام حق» (نشریه معرفت، محمد مهدی کریمی‌نیا، ۱۳۸۲: ۸۸-۸۲)؛ «اصول و شاخصه‌های حقوق شهروندی در بوستان سعدی» (فصلنامه حقوق پزشکی، عین ... اسدی گرجی و زینب باباخانی گرجی، ۱۳۹۶: ۱۹۱-۱۷۹)؛ «حقوق و روابط انسانی در آثار امام محمد غزالی» (نشریه ادب و زبان، مهدیه محمودزاده، ۱۳۹۵: ۱۶۰-۱۳۹)؛ مورد بررسی قرار گرفته است. اما تحقیقی که موضوع حقوق بشر را در آثار جامی شامل شود، تاکنون صورت نپذیرفته است.

۴ ۱ - اهمیت و ضرورت تحقیق

رعایت حقوق بشر یکی از محورهای اصلی است و این بحثی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. اگرچه این موضوع چند دهه‌ای است به صورت علنی و جهانی مطرح شده است؛ اما قدمتی به اندازه تاریخ بشری دارد. شاعران و نویسندگان زیادی در همه جای جهان، مفاهیم حقوق انسانی را در آثار خود منعکس نموده‌اند؛ به ویژه در ایران که همواره جایگاه ادیبان بزرگی بوده که شهرت جهانی داشته‌اند و آموزه‌های دینی و اخلاقی در آثار آنان نهفته بوده است. عبدالرحمان بن احمد جامی نیز در قرن نهم هجری این موضوع را در غالب آثار خود مطرح کرده است. ضرورت این تحقیق از آن جهت است که تاکنون کسی از این منظر به آثار جامی ننگریسته است.

۴ ۱ - روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، تحلیلی-توصیفی است. جامعه آماری این پژوهش، آثار عبدالرحمان جامی است. ابتدا منابع و اسناد کتابخانه‌ای مربوط به موضوع در زمینه‌های «حقوق»،

«مجموعه آثار جامی» و کتب دیگر شناسایی، سپس از آن‌ها یادداشت برداری شده است. پس از آن، یادداشت‌ها بر اساس موضوع تحقیق، طبقه‌بندی و تحلیل و بررسی شده‌اند. شیوه گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای است.

۲ - بحث و بررسی

حقوق بشر در آثار جامی

حقوق به طور کلی شامل انواعی است که یکی از این حقوق، تکلیف انسان در مقابل سایر انسان‌هاست که در واقع موضوع اصلی این پژوهش است. در این بخش پس از اشاره به حقوق انسان‌ها در مقابل یکدیگر، برای تفهیم بهتر موضوع، ابتدا به تشریح هر کدام از حقوق با توجه به اسناد موجود پرداخته سپس دیدگاه جامی در مورد آن‌ها ذکر می‌شود.

۲-۱- حق مردم بر حاکم

رابطه بین مردم و حاکم و حقوق و تکالیف متقابل آن‌ها یک رابطه دو سویه است که در جامعه اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چنان که آن را از سایر حقوق در چنین جامعه‌ای متمایز می‌کند. حضرت علی (ع) در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه در این باره می‌فرماید: «بزرگترین حقوقی که میان مردمان جریان دارد، همانا حق والی بر مردم و حق مردم بر والی است.» جامی نیز در این خصوص معتقد است که حق مردم است که تحت لوای حکومتی عادل و دادگر زندگی کنند و زمانی که حاکمان یک سرزمین، هدفشان برقراری عدل و داد در بین مردمان یک جامعه باشد، جامعه را به سمت رشد و ترقی سوق داده و می‌توانند با انجام دادن تدابیری، ریشه ظلم و تجاوز را از بین ببرند.

نیست پوشیده بر زکی و نبی
راحت رنج دیدگان جهان
آفتاب حوادث اند پناه
ظلمش از نور مهد شامل تر

بعد حمد حق و درود نبی
که ظلال الله اند پادشاهان
سایه بان ساخته ز چتر سیاه
چترشان مختصر به پیش نظر

ملک اگر جمع اگر پریشان است
 عدل ایشان کند به دانش و داد
 ظلم ایشان به کین نوبی و کهن
 ملک کشت است و عدل ابر پرآب
 اثر عدل و ظلم ایشان ست
 خانۀ ملک را قوی بنیاد
 خلق را برکنند ز بیخ و ز بن
 ملک دادت خدا به عدل شتاب
 (جامی، ۱۳۸۶: ۲۶۱)

در جایی دیگر در خصوص رعایت حقوق مردم، به حاکمان سفارش می‌کند که نباید کوچک‌ترین ستمی بر مردم روا دارند، بلکه به دنبال جلب رضایت و خشنودی مردم باشند و با عدالت و برابری با آنان برخورد کنند.

ای به شاهی کشیده سر به سپهر
 داد فضل خدایت آن پایه
 از تکبر مبر به گردون سر
 جای سایه گر آسمان بودی
 هر کرا تیغ خور به فرق سرست
 حق نشاندت به تخت دادگری
 نه که خود تیغ خون‌فشان باشی
 عدل را رو به چرخ والا کن
 بیخ ظالم ز باغ ملک بکن
 ترسم آن شاخت آورد آن بیخ
 خاک پای تو گشته افسر مهر
 که شدی مر خدای را سایه
 سایه را جای بر زمین خوش‌تر
 خلق را کی زخور امان بودی
 سایه او را ز زخم آن سپرست
 تا کنی پیش تیغ‌ها سپری
 آفت جان این‌و آن باشی
 ظلم را در چه عدم جا کن
 شاخ ظلم از درخت دین بشکن
 بار تعییر و میوه تو بیخ
 (همان: ۲۶۶)

جامی در روضه سوم کتاب بهارستان - در بیان شکفتن شکوفه‌های باغستان حکومت و ایالت که متضمن میوه‌های نصفت و عدالت است - این چنین آورده است که: حکمت در وجود سلاطین، ظهور نصفت و عدالت است نه ظهور به صفت عظمت و جلالت. نوشیروان با آنکه از دین بیگانه بود در عدل و راستی یگانه بود، لاجرم سرور کاینات - علیه افضل الصلوات - تفاخرکنان می‌گفت: *وَلَدْتُ أَنَا فِي زَمَنِ السُّلْطَانِ الْعَادِلِ*.

پیمبر که در عهد نوشیروان به رخ گشت چشم و چراغ جهان

همی گفت از ظلم ازان ساده‌ام
چه خوش گفت آن ناصح نیکخواه
که از ظلمت ظلم اندیشه کن
اگر عدلت از ظلم ناید فره
که در عهد نوشیروان زاده‌ام
به گوش دل آن ستمکاره شاه
پی آزمون عدل را پیشه کن
دگر باره پا در ره ظلم نه
(همان: ۱۳۷۹: ۴۶)

جامی شاه عادل و بی‌دین را بهتر از حاکم دیندار و ظالم می‌داند و معتقد است چیزی که باعث دوام حکومت می‌شود، عدالت‌گستری و برقراری انصاف در بین مردمان یک جامعه است:

عدل و انصاف دان نه کفر و نه دین
عدل بی‌دین نظام عالم را
آنچه در حفظ ملک در کار است
بهتر از ظلم شاه دیندار است
(همان: ۵۲)

او در جایی دیگر بیان می‌دارد: اگر شاه دانا عدل را پیشه خود سازد آسایش همه را فراهم کرده و شرایط زندگی مسالمت‌آمیز و عادلانه برای افراد جامعه ایجاد می‌کند.

چو گردد شاه عالم عدل پیشه
چو نالد بیدلی از سینه ریشی
خلاصی را ز دهر پیچ بر پیچ
ز شاهان عدل می‌باید دگر هیچ
شود آسایش گه گه، همیشه
بود یکسر ز نیش ظلم کیشی
(همان: ۴۲)

در روضه سوم بهارستان حکایاتی در باب عدالت و دادگری و نصفت پادشاهان و روش و آداب حکومت آمده است که: وزیر هرمز بن شاپور به وی نامه فرستاد که بازرگانان دریابار، جواهر بسیار آورده‌اند و آن را به صد دینار از برای شاه خریده‌ام. شنیده‌ام که پادشاه آن را نمی‌خواهد، اگر راست است فلان بازرگان به صد هزار دینار سود می‌خرد. هرمز جواب نوشت که صد هزار دینار و صد هزار چندان پیش ما قدری ندارد. چون ما بازرگانی کنیم پادشاهی که کند؟ و بازرگانان چه کنند؟

نه طور منصب شاهان بود که بیع و شری به قصد کسب معاش خود اختیار کنند

چو شاه پیشه کند کار تاجران جهان / تو خود بگو که دگر تاجران چه کار کنند؟
(همان: ۵۰)

جامی در کتاب سلامان و ابدال در اشارت به آنچه حق سبحانه و تعالی در شأن پادشاهان عجم به داود علیه السلام وحی کرده است، می گوید که:

گفت با داود پیغمبر خدای	که امت خود را بگو، ای نیک رای
کز عجم چون پادشاهان آورند	نام ایشان جز به نیکی کم برند
گرچه بود آتش پرستی دین شان	بود عدل و راستی آئین شان
قرنها زایشان جهان معمور بود	ظلمت ظلم از رعایا دور بود
بندگان فارغ ز غم فرسودگی	داشتند از عدلشان آسودگی

(جامی، ۱۳۸۲: ۱۴۸)

در جایی دیگر در کتاب سلامان و ابدال، وقتی که پادشاه ارکان دولت خود را به بیعت با سلامان وا می دارد و تاج و تخت خود را به وی می بخشد در ضمن وصیت و سفارش سلامان به عدالت ورزی، به برخی از وظایف پادشاه نسبت به رعیت اشاره می کند که:

هر کجا گیری به حکم دین فره	آن فره را هم به حکم دین بده
کیسه مظلوم را خالی مکن	پایه ظالم به آن عالی مکن
آن فتد در فاقه و فقر شگرف	وین کند آن را به فسق ظلم صرف
عاقبت این شیوه گردد شیونت	خم شود از بار هر دو گردنت
رو متاب از راههای مستقیم	کاین بود دستور شاهان قدیم
او به دوزخ رفت و تو در پی مرو	همیشه دوزخ بسان وی مشو
جهد کن تا هر خطا و هر خلل	گردد از عدلت به ضد خود بدل
نی که از تو عدل گیرد رنگ ظلم	خرد گردد جام عدل از سنگ ظلم
از وزیران نیست شاهان را گریز	لیک دانا و امین باید وزیر
داند احوال ممالک را تمام	تا دهد بر صورت احسن نظام
باشد اندر ملک و مال شه امین	ناورد بر غیر حق خود کمین
زانچه باشد قسمت شاه و حشم	از رعیت نی فزون گیرد نه کم

مهربانی بر همه خلق خدای
 هست پیش زیرکان ارجمند
 قصه کوتاه هر که ظلم آئین کند
 نیست در گیتی ز وی نادان تری
 کار دین و دنییی خود را تمام
 جز به دانایان میفکن والسّلام
 (همان: ۱۸)

بنابراین از نظر جامی حاکم علاوه بر عدالت‌ورزی، باید نسبت به مردم مهربان و دلسوز باشد، خراج به رفق و اندازه از آنها بگیرد و دست ظلم و تجاوز کارگزاران را کوتاه کند تا آنان منافع مردم را سرلوحه کار خود قرار داده و بدینگونه کوچکترین اجحافی در حق مردم نشود.

۲-۲-۲- حق مهمان

یکی از رفتارهای اجتماعی، دید و بازدید از خویشاوندان، همسایگان و به طور کلی افراد دیگر جامعه است که در اصطلاح شرع «صله رحم» نامیده می‌شود. مهمان‌نوازی و پذیرایی خوب و شایسته از مهمانان، یکی از خصایل نیکو و ارزشمند دین اسلام شمرده می‌شود. پیامبر اکرم (ص) ورود مهمان به خانه را هدیه‌ای الهی می‌دانست و می‌فرمود: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَهْدَى لَهُمْ هَدِيَّةً قَالُوا وَمَا تِلْكَ الْهَدِيَّةُ قَالَ الضَّيْفُ يَنْزِلُ بِرِزْقِهِ وَ يَرْتَجِلُ بِذُنُوبِ أَهْلِ الْبَيْتِ»؛ هرگاه خداوند بخواهد خیر و خوبی به جمعیتی برساند، هدیه‌ای به سوی آنان می‌فرستد. سؤال شد منظور از هدیه چیست؟ فرمودند: آن هدیه، مهمان است که با روزی خود وارد می‌شود و هنگام رفتن، گناهان آن خانواده را به همراه می‌برد! (نوری، ۱۴۰۷ق: ۲۵۸)

جامی مخاطبان خود را به اکرام و رعایت حرمت و حقوق مهمان، پذیرایی کافی و مناسب از او سفارش کرده و در کتاب نفحات الانس در ذکر سیر و احوال و معارف و کرامات و مقامات صوفیه چنین می‌گوید: شیخ الاسلام گفت که: «طریق ابراهیم - علیه السلام - آن بودی که بی مهمان چیزی نخوردی. [در] خانه، او را ابوالضیفان می‌خواندند. و شیخ عمو گفت که: «نهادی دیگ نپختی تا

مهمان نبود. و شیخ عباس فقیر هروی گفت که: عمران ثلثی چیزی نخوردی به روز بی مهمان. چون مهمان رسیدی، با وی بخوردی و چون نرسیدی، روزه داشتی.» (جامی، ۱۳۸۶: ۲۸۶)

همچنین در شرح احوال مولانا جلال‌الدین ابویزید پورانی، رحمه‌الله تعالی، نقل شده است که: کم بودی که خانه وی از مهمان خالی بودی، و برای ایشان طعام‌های مرغوب مهیا ساختی با آن که دخل وی از باغ و زراعت محقری بود. روزی می‌گفت که: «پیشتر چنان بود که هر وقت که جماعتی عزیزان از شهر متوجه پوران شدند، بر من ظاهر می‌شد. می‌دانستم که چند کس‌اند و کی خواهند رسید، طعامی مناسب ایشان ترتیب می‌کردم که چون برسند بی‌انتظار پیش آرم.» (همان: ۵۰۲)

بنابر این ضیافت و داشتن دستی باز، سفره‌ای گشوده، عطایی پیوسته و مهمان‌نوازی از نشانه‌ها و جلوه‌های روحیه فتوت و جوانمردی است. و در فرهنگ دینی ما، مهمان حبیب خدا، مایه برکت، هدیه‌ای از سوی پروردگار، عامل افزایش رزق، باعث آمرزش گناهان صاحبخانه و سبب نزول مغفرت الهی است.

۲-۳- حق دوست و معاشر:

انسان‌ها موجوداتی اجتماعی آفریده شده‌اند و به یکدیگر محتاجند و نمی‌توانند جدای از دیگران زندگی کنند. قرآن کریم می‌فرماید: «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را گروه گروه و قبیله قبیله قرار دادیم تا بتوانید همدیگر را بشناسید.» (حجرات/۱۳) پس باید با دیگران در ارتباط بود و بعضی را به عنوان دوست انتخاب نمود، زیرا انسان اگر دوست نداشته باشد غریب است، علی‌علیه السلام می‌فرماید: «غریب کسی است که دوستی برای خود نداشته باشد.» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) بعد از انتخاب دوستان خوب و صمیمی آنچه اهمیت ویژه می‌یابد، رعایت حقوق یکدیگر است. دوستان صادق برای حفظ دوستی و روابط صمیمانه، عیوب یکدیگر را پوشانده و از خطا و لغزش یکدیگر می‌گذرند. جامی در کتاب بهارستان در مورد جوانمردی بیان کرده است که: رویم-قدس سره- گفته است: جوانمردی آن است که برادران خود را معذور داری و بر ذلتی که از ایشان واقع شود با ایشان چنان معامله نکنی که از ایشان عذر باید خواست.

جوانمردی دو چیز است ای جوانمرد
یکی آن کز رفیقان درگذاری
دویم آن کز تو ناید هیچگاهی
به سویم گوش کن تا گویمت راست
اگر هر لحظه بینی صد کم و کاست
چنان کاری که باید عذرشان خواست
(جامی، ۱۳۷۹: ۳۲)

۲-۴- حق شخصیت و کرامت انسانی

ماده دوازدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد چهارم و هشتم اعلامیه اسلامی حقوق بشر به این حق اختصاص دارد. کرامت و شرافت و بزرگواری در سرشت و آفرینش انسان قرار دارد. بنا بر کرامت ذاتی انسان، یکی از روشهای صحیح و کارآمد در تربیت انسان، روش احترام و تکریم شخصیت است. در سیره عملی پیشوایان معصوم (ع) توجه خاصی به این تکریم شخصیت انسانی شده است. امام صادق (ع) احترام و ارزش قائل بودن برای انسان را آنقدر با اهمیت تلقی می‌کند که احترام گزاردن به برادر مسلمان را احترام‌گزاری به خداوند دانسته‌اند و می‌فرمایند:

«أَخُوهُ الْمُسْلِمِ وَ أَكْرَمُهُ فَإِنَّمَا أَكْرَمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ» (حرّ عاملی، ۱۳۸۷: ۹۷)

همچنین امام صادق (ع) هفت حق برای یک مسلمان نسبت به مسلمان دیگر بیان کرده و مسلمانان را به رعایت این حقوق دعوت کرده است. «حق اول: آسان‌ترین آن حقوق این است که درباره مسلمان آنچه را برای خود دوست می‌داری برای او نیز بخواهی و آنچه را برای خود نمی‌پسندی بر او هم نپسندی. حق دوم: این که از خشم نسبت به وی بپرهیزی و خشنودی او را بخواهی و از وی فرمان ببری. حق سوم: اینکه با جان و مال و زبان و دست و پای خود به وی یاری کنی. حق چهارم: اینکه دیده‌بان و راهنما و آئینه و جامه او باشی. حق پنجم: این که با گرسنه بودن او سیر نشوی و با تشنگی او سیراب نگردی و با برهنه بودن او لباس نپوشی. حق ششم: اینکه تا او زن نگیرد تو زن نگیری و اگر او را نوکری نباشد نوکری اختیار نکنی. حق هفتم: این که به سوگند او وفا کنی و درخواست او را بپذیری، بیمار او را عیادت کنی و در جنازه او حضور یابی و اگر بدانی که او را نیازی است برای انجام آن بشتابی و او را ناگزیر نسازی که آن را از تو بخواهد.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۶۹)

جامی هم علاوه بر این که رعایت این حقوق را سرلوحه افکار و اندیشه‌های خود قرار داده، دیگران را نیز به رعایت این حقوق نسبت به یکدیگر سفارش کرده است.

جوانمردا! جوانمردی بیاموز	زمردان جهان مردی بیاموز
درون از کین کین جویان نگه دار	زبان از طعن تندگویان نگه دار
نکویی کن به آن کو با تو بد کرد	کزان بد رخنه در اقبال خود کرد
چو آیین نکوکاری کنی ساز	نگردد با تو جز آن نیکویی باز

(برآبادی، ۱۳۹۱: ۶۵)

یکی از حقوق مسلمانان نسبت به مسلمان دیگر این است که لغزش او را ببخشید و از خطایش درگذرید. نباید لغزش او را نزد خود نگه دارید تا هر وقت خواستید چون سلاحی علیه او به کار گیرید. یا از دیدن عیب او برآشفته شده و به سبب آن عیب با او قطع رابطه کنید.

شمع شو شمع که خود را سوزی	تا به آن بزم کسان افروزی
با بد و نیک نکوکاری ورز	شیوه یاری و غمخواری ورز
ابر شو تا که چو باران ریزی	بر گل و خس همه یکسان ریزی
چشم بر لغزش یاران مفکن	به ملامت، دل یاران مشکن

(جامی، ۱۳۸۶: ۵۳۰)

جامی در جای جای آثار خویش صفات نیکوی انسانی را به بهترین بیان وصف می‌کند و از صفات ناپسند هشدار می‌دهد و به صفات نیکوی حلم و مدارا و عفو و احسان توصیه می‌نماید:

ای رخ افروخته از آتش خشم	خرمنت سوخته از آتش خشم
از خسی، آتشی افروخته‌ای	تر و خشک خود از آن سوخته‌ای
آب حلمی بزن این آتش را	در ته پای کش این سرکش را
دهن از گفتن بیهوده بیند	لبت آلوده به ناخوش میسند
چون ستوران حرور چند ز حد	می‌بری زخم به دندان و لگد

(همان: ۵۳۰)

عفو و گذشت کردن یکی از فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاق انسانی است که از سوی همگان به حکم سیره عقلایی مورد توجه و عنایت قرار گرفته است. جامی نیز از انسان‌ها می‌خواهد که احسان و عفو و بخشش را نسبت به یکدیگر رعایت کنند.

هر که غمگین کندت شادش کن	وانکه بندت نهد آزادش کن
نیکی اندیش بداندیشان باش	مصلحت کوش خطاکیشان باش
پیشه کن عفو به خوبی و خوشی	بگذر از ناخوشی و کینه‌کشی
در صف عفو و کرم منظمی	بهتر از کشمکش منتقمی
کینه‌خواهی روش احسان نیست	هر که احسان نکند انسان نیست

(همان: ۵۴۶)

در جایی دیگر افراد را به رعایت انصاف در حق یکدیگر سفارش می‌کند:

همی باش روشن دل و صاف‌رای	به انصاف با بندگان خدای
به هر ناکس و کس درین کارگاه	ز خود می‌ده انصاف و از کس مخواه

(همان: ۹۲۲)

تکریم شخصیت همگان مهم و ضروری و ارزشمند است، مخصوصاً افراد پیر. ائمه (ع) همواره به این مهم توجه و سفارش ویژه داشته‌اند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «بزرگ شمردن پیر و تعظیم او، تعظیم و بزرگ‌شمردن خدا است.» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵: ۱۳۷)

جامی در این خصوص ابیاتی سروده است:

دم صبحگاهان چو گردان سپهر	بر آفاق مگشای جز چشم مهر
چو باید بزرگیت پیرانه سر	به چشم بزرگی به پیران نگر

(جامی، ۱۳۸۶: ۹۲۲)

تحقیر کردن دیگران در واقع سلب حق شخصیت و کرامت ایشان است. جامی نیز در کتاب هفت اورنگ تأکید می‌کند که نباید به دیگران و زیردستان با چشم حقارت نگاه کرد.

به خُردان به چشم حقارت مبین	بسا خُرد صدر بزرگی نشین
بُود قیمت گوهر از آب و رنگ	چه غم زانکه خُرد است نسبت به سنگ

(همان)

از نظر اخلاقی، افشای اسرار دیگران امری زشت و نکوهیده است و از زمرهٔ مواردی است که کرامت و شخصیت افراد را خدشه دار و این حق را از آنان سلب می کند. جامی به عنوان شاعری پایبند به اصول تربیتی، افشای راز را امری ناپسند می داند:

هر چه افشای آن بود دشوار با حریفان مگو به آسانی
که آنچه داری نهفته بتوان گفت و آنچه گفتی، نهفته نتوانی
(جامی، ۱۳۷۹: ۴۰)

جامی نیز چون دیگر بزرگان معتقد است که انسان خود آکنده از عیب است، پس شایسته نیست که دهان به عیب دیگران بگشاید. چون با این کار آبرو و شخصیت خود و دیگران را در معرض خطر می افکند. بلکه نخست باید به رفع عیوب خود پردازد.

شیوهٔ واعظ آن بود که نخست فعل خود را کند به قول درست
چون شود کار او موافق گفت گر دهد پند غیر نیست شگفت
پای تا فرق جمله عیبی و عار چه کنی عیب عمر و زید شمار
زشت باشد که عیب خود پوشی واندر افشای دیگران کوشی
(همان، ۱۳۸۶: ۶۳)

نیروی حیاتی و غریزی خشم و غضب در بسیاری از موارد بر انسان غلبه می کند تا آنجا که اعمال و کردار فرد از کنترل عقل و دین و تبعیت از آنها خارج شده و موجب بی احترامی و هتک حرمت و گرفتن حق شخصیت و کرامت از افراد می شود. «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: از محبوب ترین راهها به سوی خداوند - عزّ و جلّ - دو جرعه (نوشیدن) است: جرعهٔ خشمی که با بردباری آن را رد کنی و جرعهٔ مصیبتی که با صبر آن را برگردانی.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۹) جامی نیز در آثار خود افراد را به فروخوردن خشم و عفو و گذشت دعوت می کند.

به غضب جان هیچکس مخراش حرف آسایش از دلش متراش
ناخراشیده خاطر تو نخست کی رود دل خراشی از تو درست
ز آتشی کز غضب برافروزی اولاً خان و مان خود سوزی
آنچه بر مردم کناره رسد ز آتشت دود یا شراره رسد

اصل آن در دلت فروخته است
 آب حلمی بزن بر آن آتش
 خشم با دیگران سگی و ددیست
 هر که را از خرد مدد باشد
 که از آن خرمن تو سوخته است
 تا نیفتد به دیگران آتش
 وین سگی و ددی زیخردیست
 کی در آن تن دهد که دد باشد
 (جامی، ۱۳۸۶: ۲۸۱)

۲-۵- حقوق نیازمندان

اسلام که یک دین کامل فطری و الهی است، رفع نیاز و مشکلات و گرفتاری انسان‌ها را یکی از برنامه‌های بنیادی و اساسی خود اعلام کرده و نه تنها به اجر و پاداش دنیوی و اخروی اجراکنندگان این برنامه حیاتی و انسان‌ساز اشاره می‌کند، بلکه مسئولیت هرکس را در حد توان خود تعیین کرده و چگونگی برآوردن حاجات مردم را بیان می‌کند و عدم رفع نیاز (در صورت توانایی) را زشت شمرده و آن را محکوم و وعده عذاب الهی را می‌دهد.

خداوند متعال در آیه ۲۷۳ سوره بقره در رابطه با گره‌گشایی از کار مردم می‌فرماید: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؛ (این صدقات) برای آن (دسته از) نیازمندانی است که در راه خدا فرومانده‌اند، و نمی‌توانند (برای تأمین هزینه زندگی) در زمین سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آن‌ها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار، (چیزی) از مردم نمی‌خواهند. و هر مالی (به آنان) انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است.»

دستگیری از نیازمندان امری اخلاقی و بشر دوستانه است. جامی نیز رفع نیاز حاجتمندان و گره‌گشایی از کار آن‌ها و بی‌تفاوت نبودن نسبت به افراد بی‌بضاعت جامعه را به دیگران گوشزد کرده و مخاطبان خود را نسبت به رعایت این تکلیف بزرگ ترغیب نموده است.

به درویش محتاج بخشش نمای
 فروبسته کارش به بخشش گشای
 (جامی، ۱۳۸۶: ۹۲۳)

۲-۶- حق والدین

از منظر اسلام، انسان در مقابل تمام نعمت‌های الهی پیرامون خود، موظف و مسئول است. او باید در عین استفاده و بهره‌مندی از این نعمت‌ها شکرگزار لطف الهی باشد و حقوق آن‌ها را به جا آورد؛ از جمله این نعمت‌ها، نعمت داشتن والدین است؛ والدینی که زحمتهای زیادی را با دل و جان برای رشد و پرورش فرزند متقبل می‌شوند. خداوند کریم در قرآن مجید صراحتاً و یا ضمناً فرزندان را به رعایت حقوق والدین امر فرموده است که نشان دهنده اهمیت قابل توجه موضوع است. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا.» (الاسراء / آیه ۲۳)

رسول خدا (ص) برای والدین حقوقی را برشمردند و فرزندان را به ادای این حقوق سفارش فرمودند. از جمله این روایات، روایتی است که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

وقتی آیه «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» نازل شد، شخصی از حضرت رسول (ص) پرسید: منظور از «احسان» چیست؟ حضرت فرمود: «نیکو صحبت کردن؛ و آنچه از شما درخواست می‌کنند، برآورده کردن، هر چند خودتان به آن نیاز داشته باشید.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۱: ۴۸۴)

در آثار ادیبان فارسی شواهد فراوانی برای این حق وجود دارد. عارفان و بزرگان ایرانی نسبت به رعایت حقوق والدین اهتمام ویژه‌ای داشتند و با توجه به وسعت نظری که داشتند، همواره از احوال ایشان مطلع بودند به گونه‌ای که حتی خدمت به والدین را برتر از زیارت خانه خدا می‌دانستند تا جایی که: شیخ الاسلام نقل کرد که اسماعیل دبّاس گفت: «نیت حج کردم، به شیراز رسیدم. به مسجدی درآمدم، شیخ مؤمن را دیدم نشسته، درزی می‌کرد. سلام کردم و نشستم. مرا گفت: چه نیت داری؟ گفتم: نیت حج دارم. گفت: مادر داری؟ گفتم: دارم. گفت: باز گرد پیش مادر شو! مرا خوش نمی‌آمد. گفت: چه می‌پییچی؟ من پنجاه حج کرده‌ام سر برهنه و پای برهنه، بی‌زاد و همراه، همه ترا دادم، تو شادی دل مادر فرا من ده!» (جامی، ۱۳۸۶: ۳۲۷)

نتیجه‌گیری

یکی از مسائلی که در عصر معاصر ذهن بسیاری از متفکرین جهان را به خود مشغول داشته، مسئله «حقوق بشر» است. حقوق بشر آن دسته از حقوقی است که انسان به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی با میزان قابلیت و صلاحیت فردی او، از آن برخوردار است. جامی در قرن نهم، حدود چهار قرن پیش از تشکیل مجمع بین‌المللی حقوق بشر و انتشار اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر، در لابه لای آثار معروف خود با بهره‌گیری از مکتب اسلام و فرهنگ اسلام و فرهنگ غنی ایرانی، مؤلفه‌های حقوقی انسان را بیان کرده و همگان را به رعایت این حقوق فرا می‌خواند و برای تفهیم بهتر این مطالب، آنها را در قالب حکایات، حکمت‌ها و مطایبات شیرین با ظرافت و استادی خاص بیان می‌نماید به نحوی که هر خواننده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این آثار غالب بندهای اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد حقوق بشری مشهود است. در این پژوهش به میزان قابل توجهی، به روابط و حقوق انسانها نسبت به یکدیگر پرداخته شده است. از جمله حقوقی که جامی به آنها اشاره کرده است، مواردی که در سطور آتی ذکر می‌شود. حق مردم بر حاکم اولین حقی است که در این مقاله مطرح شده است. جامی در آثار خود به این حق، نسبت به حقوق دیگر، اشاره بیشتری داشته و به والیان و حاکمان در رعایت حقوق مردم و تأمین نیازهای آنان سفارش اکید کرده و معتقد است که اجرای عدل توسط حاکمان، باعث سعادت جامعه می‌شود. در ادامه به حق مهمان و تکریم مقام او، حقوق دوست و معاشر، عیب پوشی، گذشتن از خطا و لغزش آنان و رعایت جوانمردی نسبت به آنان سخن به میان آورده است. از نظر جامی عدم رعایت این موارد باعث می‌شود که حرمت و حیثیت افراد شکسته شده و کرامت انسانی آنان خدشه‌دار شود. علاوه بر این، مخاطبان خود را به رعایت حقوق دیگری از جمله تعظیم و بزرگداشت پیران، رفع حوائج نیازمندان و اقشار کم بضاعت جامعه، حقوق والدین و تمکین و اطاعت از آنان و رعایت و حفظ فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاقی سفارش کرده است.

فهرست منابع و مأخذ

الف: کتب

- ۱ - قرآن کریم.
- ۲ - نهج البلاغه.
- ۳ - امام سجّاد(ع)، (۱۳۸۸)، رساله حقوق، ترجمه محمدحسین افشار، تهران: نیایش.
- ۴ - بسته نگار، محمد، (۱۳۸۰)، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران: انتشار.
- ۵ - برآبادی، محمود، (۱۳۹۱)، کتاب جامی، تهران: انتشارات کمک آموزشی، چاپ پنجم.
- ۶ - جامی، عبدالرحمن بن احمد، (۱۳۸۶)، مثنوی هفت اورنگ، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران: اهورا.
- ۷ - _____، (۱۳۸۲)، سلامان و ابسال، تصحیح محمد روشن، تهران: اساطیر، چاپ اول.
- ۸ - _____، (۱۳۸۶)، نفحات الانس، تصحیح محمود مدبری، تهران: سخن، چاپ پنجم.
- ۹ - _____، (۱۳۷۹)، بهارستان و رسایل جامی، تهران: میراث مکتوب، چاپ اول.
- ۱۰ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش.
- ۱۱ - حجازیان، محمدحسن، (۱۳۸۸)، تجلی مفاهیم و نظام حقوقی در شعر فارسی، تهران: جنگل، چاپ دوم.
- ۱۲ - حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- ۱۳ - دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۴ - رؤیتوند، مجتبی، (۱۳۸۵)، جلوه انسان دوستی و حقوق بشر در ادبیات فارسی شاعران مشروطه، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره).
- ۱۵ - حمید رضی، (۱۳۷۸)، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: فیض الاسلام.
- ۱۶ - قربان‌نیا، ناصر، (۱۳۷۸)، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، تهران: سازمان انتشارات، چاپ اول.

- ۱۷ کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۸ مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۲)، *بحارالانوار*، جلد دوم، ۷۵، ۷۲ و ۷۷، ترجمه موسی خسروی، تهران: کتابفروشی اسلامیّه.
- ۱۹ محمودزاده، مهدیه، (۱۳۹۵)، *بررسی و تبیین حقوق انسان در متون ادب فارسی از آغاز تا قرن هشتم هجری*، کرمان: دانشگاه باهنر.
- ۲۰ مدرّس، علی اصغر، (۱۳۷۶)، *حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر*، تهران: نوبل، چاپ اول.
- ۲۱ مهرپور، حسین، (۱۳۸۳)، *نظام بین‌المللی حقوق بشر*، تهران: اطلاعات.
- ۲۲ خوری، میرزا حسین، (۱۴۰۷)، *مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل*، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).

ب: مقالات

- ۲۳ اسدی گرجی، عین‌ا...؛ باباخانی گرجی، زینب، (۱۳۹۶)، «*اصول و شاخصه‌های حقوق شهروندی در بوستان سعدی*»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۱۱، شماره ۴۰، صص ۱۹۱-۱۷۹.
- ۲۴ کریمی‌نیا، محمد مهدی، (مهر ۱۳۸۲)، «*حقوق، حق و اقسام حق*»، نشریه معرفت، سال ۱۱، شماره ۷، صص ۸۸-۸۲.
- ۲۵ محمودزاده، مهدیه، (۱۳۹۵)، «*حقوق و روابط انسانی در آثار امام محمد غزالی*»، نشریه ادب و زبان، سال ۹، شماره ۴۰، صص ۱۶۰-۱۳۹.